

نظریه‌های تحول گرا

در مباحث مدیریت و برنامه‌ریزی شهری

تألیف

دکتر سعید امان‌پور - هادی علی‌زاده

انتشارات طحان

ناشر تخصصی معماری و شهرسازی

شناسه	: امانپور، سعید، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور	: نظریه‌های تحول‌گرا در ساختار مدیریت و برنامه‌ریزی شهر
	: تألیف سعید امان‌پور، هادی علی‌زاده.
مشخصات نشر	: تهران : طحان، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۶ ص.: جدول، نمودار.
شابک	: 978-622-6507-30-1
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: نمایه.
موضوع	: شهرسازی -- طرح و برنامه‌ریزی
موضوع	: City planning -- Design
موضوع	: شهرسازی
موضوع	: City planning
شناسه افزوده	: علیزاده، هادی، ۱۳۶۶ -
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۸ ن ۶ الف / HT۱۶۶
رده بندی دیویی	: ۳۰۷/۱۲۱۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۶۳۴۵۶۳



نظریه‌های تحول‌گرا

در ساختار مدیریت برنامه‌ریزی شهری

تألیف: سعید امان‌پور - هادی علی‌زاده

چاپ: اورجینال

صحافی: اورجینال

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شمارگان: ۲۰۰ نسخه

مدیر تولید: ابوالفضل چلاغلو

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۵۰۷-۳-۰-۱

قیمت: ۳۵۰۰ تومان

پیشگفتار

شهرها به عنوان عالی‌ترین تجلی توسعه بشریت در عرصه گیتی، دارای استعداد‌های توسعه‌ای فراوان از یک سو و البته پیچیدگی‌های خاص خود از سوی دیگر می‌باشند که این پیچیدگی‌ها می‌تواند خود را به عنوان موانع توسعه‌ای پیش روی توسعه مکانی - فضایی این گره‌گاه‌های توسعه نشان دهد. در این مسیر رویکردها و گرایش‌های رفتاری و نوع ساختار به کارگرفته شده برای اعمال تغییرات مکانی - فضایی در شهرها بسیار حائز اهمیت می‌باشند. در واقع شناخت نوع گرایش‌های رفتاری و ساختاری، بسته به وضعیت اقتصاد سیاسی - اکم بر فضا که شهرها برای توسعه خود از آن تبعیت می‌کنند، خواهد بود. در این راستا، فرایندها و گرایش‌های مربوط به اقتصاد سیاسی کلان در عصر حاضر می‌تواند ما را به سمت مکاتب اسلامی، نئولیبرالیسم، سوسیال دموکراسی و کمونیسم رهنمون سازد.^۱

پیر واضح است که فضا به عنوان یک مول اجتماعی، در سه بُعد مکان، زمان و سازمان اجتماعی، در برگیرنده نرم‌ها و فرایندهایی هست که چگونگی تفسیر آن، علاوه بر شناخت گرایش‌های رفتاری و ساختاری منتج از اقتصاد سیاسی حاکم بر آن، خود به عنوان موضوع اصلی بسیاری از مکاتب جغرافیایی نیز بوده است. در این فرایند، بعد از جایگزینی فضا در تعریف جغرافیا (مطالعه رابطه انسان با فضا) به جای مکان، آن هم بعد از

^۱ - برای درک دسته بندی‌های مربوط به رویکردهای اقتصاد سیاسی کلان در جهان دو نکته حائز اهمیت است. نکته اول این که نئولیبرالیسم شکل تثبیر یافته و یا گذار از رویکردهایی چون لیبرالیسم و سوسیالیسم (۱۹۳۰ تا ۱۹۷۰) به نئولیبرالیسم در غرب می‌باشد. همچنین سوسیال دموکراسی نیز رویکرد تغییر یافته یا گذار از سوسیالیسم (۱۹۸۰ به بعد) می‌باشد که در بلوک شرق به سردمداری شوروی سابق اتفاق افتاد. نکته دوم ظهور پدیده جهانی‌سازی و جهانی‌شدن می‌باشد که خُرده رویکردهای اقتصاد سیاسی را در خود بلعیده و حتی دیگر رویکردهای کلان در این زمینه را در راستای ادغام در رویکرد مسلط هدایت کننده آن یعنی اقتصاد سیاسی نئولیبرالیسم پیش برده است.

دهه ۶۰ قرن بیستم، که هم زمان با ظهور مکتب جغرافیا به عنوان علم فضایی اتفاق می افتاد؛ و از سوی دیگر پیچیدگی های حاکم بر تحولات فضا، مسیر مطالعه این مکاتب، از روش های صرفاً توصیفی (مکاتب جغرافیایی قبل از دهه ۶۰) به سمت مکاتب انتقادی و تحلیلی مانند رادیکالیسم، ساختارگرایی و پساساختارگرایی تغییر یافته است. عمده تحلیل ها، انتقادهای سؤال ها و گرایش های نظری و عملی در رویکردها و مکاتب یاد شده بر چرخش تغییر، لزوم تغییر و تحلیل تغییر در راستای بهره مندی های فضایی در شهر بوده است. تغییر و تحولاتی که خود متوجه الگوهای رفتاری به عنوان الگویی راهبر و مدیریت کننده جریان های فضایی و الگوهای ساختاری به عنوان الگوی برنامه ریزی کننده و عملیاتی این تغییرات در گستره های فضا بوده است.

بنابراین آن چنان که گفته شد، قانون مندی های حاکم بر تولید، گسترش و حتی زوال الگوهای فضایی که از اصول، هنجارها و الگوهای خاص رفتاری و ساختاری نشأت می گیرد، بر گرفته از اقتصاد سیاسی حاکم بر آن گستره ی فضایی می باشد. در این بین به اقتضای زمان و بروز پیچیدگی های پیش روی توسعه فضایی و در راستای یافتن پاسخ ها و راهکارهای بهینه در برابر چالش ها و پیچیدگی های یاد شده، تغییر و گذار از رویکردها و گرایش های پیشین به سمت گرایش ها، رویا و راهبر متناسب با زمان پیش رو ضروری می باشد. با این وصف، و با پیروی از اقتصاد سیاسی حاکم، تغییرات ساختاری متوجه الگوهایی خواهد بود که توسعه فضایی را در قالب طرح ها و برنامه هایی خاص عملیاتی می کنند. چرا که برآیند این فرایند، منجر به تغییرات ساختاری در سازمان یابی، تولید و یا برعکس، انزوای فضا در شهرها می گردد و تغییرات رفتاری متوجه الگوهایی خواهد بود که می توانند از طریق سیاست گذاران، مجریان و عاملان قدرت در راستای نوع و کیفیت تحقق این تغییرات ساختاری نمود یابند.

با این مقدمه در کتاب حاضر تلاش شده است تا در قالب چهار فصل به ارائه الف: رویکردهای کلان تبیین کننده تحول در ساختار مدیریت و برنامه‌ریزی شهری که همان رویکردهای اقتصاد سیاسی کلان در این زمینه می‌باشند، ب: نظریه‌های تبیین کننده تحول در ساختار مدیریت شهری، ج: نظریه‌های تبیین کننده تحول در ساختار برنامه‌ریزی شهری و د: موانع تحقق تغییر و تحول در نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری پرداخته شود. در حقیقت، منظور از رویکردهای کلان مؤثر در ساختاریابی مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، رویکردهای اسلامی، لیبرالیسم، سوسیالیسم، سوسیال دموکراسی و نهایی‌لیبرالیسم می‌باشند که هر یک به نحوی و در دوره زمانی سطره شده، در ساختاریابی فضایی مؤثر بوده و هستند. منظور از نظریه‌های تحول‌گرا در ساختار مدیریت شهری، نظریه حکومت و حاکمیت، نظریه قدرت، نظریه نهادگرایی، نظریه رژیم شهری و نظریه رفتار سازمانی و در بخش برنامه‌ریزی شهری، نظریه‌های کثرت‌گرایی، جامعه مدنی، مشارکت، حقوق شهروندی و برنامه‌ریزی راهبردی می‌باشند که به نوعی خواستگاه‌های تحول و تغییر در دو حوزه یاد شده می‌باشند. همچنین در این کتاب تلاش شده است تا موانع اصلی تحول تغییر در ساختار مدیریت و برنامه‌ریزی شهری نیز تشریح گردد.

در پایان امید است کتاب حاضر در راستای رسالت خود یعنی خوانش و ارائه نظریه‌های مبنایی تغییر و موانع آن در حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، بتواند مورد استفاده جامعه دانشگاهی و سازمانی مرتبط با حوزه مورد بحث (برنامه‌ریزی شهری، شهرسازی و مدیریت شهری) قرار گرفته و مثمر‌تر باشد.

مؤلفان

فروردین ماه ۱۳۹۸

فصل اول رویکردهای کلان تبیین‌کننده تغییر در ساختار مدیریت و برنامه‌ریزی شهری

۱۳	۱-۱: رویکرد اسلامی
۱۹	۲-۱: دیدگاه لیبرالیستی
۲۴	۳-۱: دیدگاه سوسیالیسم
۲۸	۴-۱: دیدگاه سوسیال دموکراسی
۳۴	۵-۱: دیدگاه نئولیبرالیسم

فصل دوم: نظریه‌های تبیین‌کننده تغییر در ساختار مدیریت شهری

۴۳	۱-۲: نظریه حکومت و حاکمیت (حکروایی)
۶۲	۲-۲: نظریه قدرت
۸۰	۳-۲: نظریه نهادگرایی
۸۳	۴-۲: نظریه رژیم شهری
۸۹	۵-۲: نظریه رفتار سازمانی

فصل سوم: نظریه‌های تبیین‌کننده تغییر در ساختار برنامه‌ریزی شهری

۱۰۹	۱-۳: نظریه کثرت‌گرایی
۱۱۵	۲-۳: نظریه جامعه مدنی
۱۲۱	۳-۳: نظریه مشارکت
۱۲۶	۴-۳: نظریه حقوق شهروندی
۱۳۴	۵-۳: نظریه برنامه‌ریزی راهبردی

فصل چهارم: موانع تحقق تغییرات ساختاری در
نظام مدیریت و برنامه‌ریزی شهری

۱۴۹	۱-۴: موانع نگرشی-دانشی
۱۵۱	۲-۴: موانع فرهنگی
۱۵۴	۳-۴: موانع رسمی- نهادی
۱۵۷	۴-۴: موانع رفتاری
۱۶۰	۵-۴: موانع ارتباطی

۱-۱: (بی‌ای‌مکت) تصمیمات و تصمیمات می‌باشد	۹۹
۲-۱: تصمیمات می‌باشد	۱۰۰
۳-۱: (بی‌ای‌مکت) تصمیمات می‌باشد	۱۰۱
۴-۱: (بی‌ای‌مکت) تصمیمات می‌باشد	۱۰۲
۵-۱: (بی‌ای‌مکت) تصمیمات می‌باشد	۱۰۳

۱-۱: (بی‌ای‌مکت) تصمیمات می‌باشد	۱۰۴
۲-۱: (بی‌ای‌مکت) تصمیمات می‌باشد	۱۰۵
۳-۱: (بی‌ای‌مکت) تصمیمات می‌باشد	۱۰۶
۴-۱: (بی‌ای‌مکت) تصمیمات می‌باشد	۱۰۷
۵-۱: (بی‌ای‌مکت) تصمیمات می‌باشد	۱۰۸